

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال نهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۴۰۵ (صص ۱-۲۳)

مقاله پژوهشی

Doi: [10.22034/jmzf.2026.587365.1278](https://doi.org/10.22034/jmzf.2026.587365.1278)

روش‌شناسی تصحیح انتقادی شرح‌های شبه‌قاره‌ای بر مخزن الاسرار

(با تأکید بر شرح ابراهیم تتوی)

محمد امین احسانی اصطهباناتی^۱

چکیده

شرح‌نویسی در ادب فارسی، روشی علمی برای تفسیر متون کلاسیک است که در شبه‌قاره، با ویژگی‌های منطقه‌ای خاص خود، توسعه‌یافته است. شرح ابراهیم تتوی بر مخزن الاسرار، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این سنت، به شمار می‌رود، اما روش تصحیح انتقادی آن، تاکنون مورد تحلیل آماری، قرار نگرفته است. هدف این پژوهش، شناختن روش تصحیح انتقادی در شرح‌های شبه‌قاره‌ای، بر مخزن الاسرار، با تأکید بر شرح ابراهیم تتوی است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کمی است. داده‌ها، از تحلیل ۴۵۰ واحد تحلیلی، حاصل از بررسی ۱۵۰ بیت مشترک، در سه شرح ابراهیم تتوی، محمد بن قوام بلخی و عظیم تتوی، استخراج شد. تصحیح‌ها، در سه دسته لغوی، نحوی و معنایی، طبقه‌بندی و سطوح مداخله، در سه سطح کلمه، بیت و پاراگراف، سنجیده شد. نتایج، فرضیه اصلی پژوهش را تأیید کرد و نشان داد که شرح ابراهیم تتوی از الگوهای نسبتاً منسجم و قابل‌اندازه‌گیری در تصحیح انتقادی برخوردار است. سهم مداخلات زبانی، در این شرح، با شاخص ۱،۱۴ از دو شرح دیگر (۰،۸۳ و ۰،۶۹) بالاتر است. همچنین این شرح از منطق سلسله‌مراتبی، در سطوح مداخله پیروی می‌کند؛ تصحیح‌های لغوی در سطح کلمه و تصحیح‌های نحوی و معنایی در سطح بیت، متمرکزند. افزون بر این، پراکندگی تصحیح‌ها، الگویی موجی دارد و تراکم آن، در نیمه میانی متن، بیشتر است. این یافته‌ها تأیید می‌کند که روش تصحیح در شرح ابراهیم تتوی از منطق نسبتاً ثابتی پیروی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مخزن الاسرار، تصحیح انتقادی، شرح ابراهیم تتوی، شرح‌نویسی زبان فارسی.

^۱ -استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۱. مقدمه

مخزن الاسرار نظامی گنجوی از مهم‌ترین متون تعلیمی و عرفانی ادب فارسی است که به سبب ساختار تمثیلی، زبان فشرده و لایه‌مندی معنایی، همواره توجه شارحان و مفسران را به خود جلب کرده است. این منظومه که نخستین دفتر از خمسه نظامی به شمار می‌رود، از یک‌سو واجد ویژگی‌های زبانی و بلاغی برجسته است و از سوی دیگر به دلیل مضامین حکمی و تربیتی، زمینه‌ای مناسب برای تفسیر، توضیح و بازخوانی‌های مکرر فراهم آورده است (ثروتیان، ۱۳۹۹: ۲۵).

از سوی دیگر، سنت شرح‌نویسی بر مخزن‌الاسرار، بخشی از تاریخ تحول فهم متون کلاسیک فارسی نیز محسوب می‌شود. پیوند عمیق زبان فارسی با سنت‌های علمی و ادبی این منطقه، موجب پدید آمدن شروحي شده است که افزون بر تبیین متن، بازتاب‌دهنده ذوق تفسیری، زمینه‌های فرهنگی و افق زبانی خاص شبه‌قاره نیز هستند (Novak, ۲۰۲۴: ۲۳).

شرح تتوی نیز از این قاعده، مستثنا نیست و شیوه خاص او در توضیح ابیات، از حیث میزان تمرکز بر اصلاح لغوی، نحوی و معنایی، با دیگر شروح قابل مقایسه است (حیدری‌ارجلو، ۱۴۰۰: ۱۲). از این منظر، تحلیل کمی این مداخلات می‌تواند تفاوت‌های روش‌شناختی میان شارحان را به‌صورتی دقیق‌تر نشان دهد و به فهم بهتر تحولات سنت شرح‌نویسی فارسی یاری رساند (طوبایی و جوکار، ۱۴۰۰: ۲۱۰).

از این‌رو، بررسی شرح تتوی، صرفاً مطالعه یک شرح منفرد نیست، بلکه کوششی برای شناسایی منطق درونی یک سنت تفسیری و تصحیحی در بستر شبه‌قاره است. اهمیت این موضوع در آن است که شرح‌های شبه‌قاره‌ای در مقایسه با شروح دیگر، به نسبت، میان وفاداری به متن و گسترش تفسیرها، غالباً از الگوی خاصی پیروی کرده‌اند.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

پژوهش حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کمی، سعی دارد تا بدین پرسش اصلی پاسخ دهد که شرح ابراهیم تتوی، واقعاً از الگوهای منسجم و منظمی در روش تصحیح انتقادی، برخوردار است یا خیر؟ جامعهٔ متنی پژوهش را سه شرح بر مخزن‌الاسرار شامل شرح ابراهیم تتوی، شرح محمد بن قوام بلخی و شرح عظیم تتوی تشکیل می‌دهد. واحد تحلیل، شرح هر بیت در هر یک از این سه اثر است. نمونهٔ پژوهش به شیوهٔ هدفمند انتخاب شد و شامل ۱۵۰ بیت مشترک از مخزن‌الاسرار است که مجموع واحدهای تحلیلی را به ۴۵۰ مورد می‌رساند. ابیات از بخش‌های آغازین، میانی و پایانی متن انتخاب شدند تا پراکندگی مناسبی در طول اثر حفظ شود. شروح موردبررسی متعلق به قرون ۱۲ و ۱۳ هجری‌اند و امکان بررسی تطبیقی روش‌های تصحیح در سنت شرح‌نویسی شبه‌قاره را فراهم می‌سازند. انتخاب شروح براساس اهمیت آن‌ها در سنت شرح‌نویسی شبه‌قاره، دسترسی به نسخهٔ خطی یا چاپ معتبر و وجود مداخلات تصحیحی قابل‌شناسایی صورت گرفت.

۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

هدف پژوهش حاضر، تحلیل روش‌شناسی تصحیح انتقادی در شرح‌های شبه‌قاره‌ای بر مخزن‌الاسرار با تأکید بر شرح ابراهیم تتوی است. فرضیهٔ اصلی پژوهش آن است که شرح ابراهیم تتوی از الگوهای نسبتاً منسجم و قابل‌اندازه‌گیری در تصحیح انتقادی پیروی می‌کند و این الگوها را می‌توان با شاخص‌های آماری در سه حوزهٔ لغوی، نحوی، معنایی و نیز در سطوح مختلف متن نشان داد. نوآوری این پژوهش در استفاده از روش تحلیل کمی و آماری نهفته است. این رویکرد امکان می‌دهد شیوهٔ کار شارحان، به‌ویژه ابراهیم تتوی، با شاخص‌های عددی دقیق مانند فراوانی، درصد و

نسبت‌های مقایسه‌ای ارزیابی شود. در ادامه، مبانی نظری پژوهش تبیین می‌شود تا چارچوب مفهومی تحلیل آماری داده‌ها روشن گردد.

در همین راستا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که آیا شرح ابراهیم تتوی، واقعاً از الگوهای منسجم و منظمی در روش تصحیح انتقادی برخوردار است یا خیر؟ در کنار این پرسش اصلی، دو پرسش فرعی نیز مطرح می‌شود: نخست آنکه شرح ابراهیم تتوی از نظر نوع و میزان تصحیح‌های لغوی، نحوی و معنایی، چه تفاوتی با دو شرح بلخی و عظیم تتوی دارد؛ و دوم آنکه توزیع سطوح مداخله (کلمه، بیت و پاراگراف) و نحوه پراکندگی تصحیح‌ها در طول متن شرح تتوی، از چه الگویی پیروی می‌کند؟

ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که با وجود اهمیت شرح ابراهیم تتوی در سنت شرح‌نویسی شبه‌قاره، روش تصحیح انتقادی آن تاکنون با ابزارهای آماری و کمی سنجیده نشده و مقایسه آن با شروح هم‌عصر و متأخر عمدتاً در سطح توصیفی باقی مانده است؛ از این‌رو، ارائه چارچوبی کمی و قابل‌تکرار برای سنجش الگوهای تصحیح، هم به شناخت دقیق‌تر روش شارحان کمک می‌کند و هم می‌تواند الگویی برای مطالعه سایر شروح کلاسیک فارسی باشد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های پیشین، هر یک بخشی از این حوزه را روشن کرده‌اند. کوپا و یعقوبی (۱۴۰۴) نشان داده‌اند که شرح قاضی ابراهیم تتوی از نظر ساختار زبانی و شیوه تفسیر، ویژگی‌های متمایزی دارد که از فضای فرهنگی شبه‌قاره تأثیر پذیرفته است (کوپا و یعقوبی، ۱۴۰۴: ۱۱۲). نبی‌لو (۱۴۰۲) نیز با تکیه بر ابیاتی از مخزن‌الاسرار، به معرفی، مقایسه و نقد شرح محمد بن قوام بلخی و شرح قاضی ابراهیم تتوی پرداخته

و تفاوت‌های این دو شرح را از حیث شیوه توضیح ابیات نشان داده است (نبی‌لو، ۱۴۰۲: ۲۲۹). همچنین ایجاز (Ijaz، ۲۰۲۴) در بررسی بازتاب آثار نظامی در سنت ادبی هندوستان، بر این نکته تأکید کرده است که خوانش‌های شبه‌قاره‌ای، لایه‌های معنایی تازه‌ای به متون نظامی افزوده‌اند (۸: Ijaz، ۲۰۲۴). اکبر (Akbar، ۲۰۲۲). نیز با تمرکز اختصاصی بر شرح ابراهیم تتوی، تأثیر و نفوذ زبان و اصطلاحات عربی، به‌ویژه آیات قرآنی و احادیث نبوی، را در این شرح بررسی کرده و این ویژگی را ناشی از پیشینه دینی و فقهی شارح دانسته است (۸۰: Akbar، ۲۰۲۲). برخی مطالعات دیگر نیز بر جنبه‌های محتوایی و سبکی مخزن‌الاسرار یا شروح آن متمرکز بوده‌اند (آرامی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰؛ خدادادی، ۱۴۰۰: ۹۵). با وجود این مطالعات، پیشینه موجود در این حوزه عمدتاً توصیفی و کیفی است؛ کوپا و یعقوبی و نبی‌لو چهارقانی به معرفی و مقایسه کیفی شروح می‌پردازند، اکبر بر یک بُعد زبانی خاص (نفوذ عربی) در شرح تتوی متمرکز است و ایجاز و آرامی و همکاران نیز عمدتاً به تحلیل محتوایی و بلاغی مخزن‌الاسرار یا بازتاب آثار نظامی توجه دارند. در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، الگوی تصحیحی شرح ابراهیم تتوی بر پایه شاخص‌های عددی مشخص، مانند فراوانی تصحیح‌های لغوی، نحوی و معنایی و نیز توزیع آن‌ها در سطوح مختلف متن، به‌صورت آماری توصیف و با دیگر شروح مقایسه نشده است؛ همین‌طور، وجه تمایز اصلی پژوهش حاضر با مطالعات پیشین را تشکیل می‌دهد.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

ماهیت مخزن‌الاسرار، زمینه‌ساز شکل‌گیری سه سطح اصلی مداخله شارحانه، یعنی مداخله لغوی، نحوی و معنایی است؛ سطوحی که در پژوهش حاضر مبنای دسته‌بندی و تحلیل آماری تصحیح‌های انتقادی قرار گرفته‌اند.

مطالعات انجام‌شده درباره ساختار و درون‌مایه مخزن‌الاسرار نیز نشان داده‌اند که این اثر به سبب پیوند میان حکمت، تمثیل و زبان فشرده، همواره امکان خوانش‌های متنوع را فراهم کرده است (طوبایی و جوکار، ۱۴۰۰: ۲۰۵).

۲-۱. تصحیح انتقادی و گونه‌شناسی مداخلات تصحیحی در شروح

تصحیح انتقادی متون کهن، فرایندی علمی برای دستیابی به صورت معتبرتر متن از طریق مقابله نسخه‌ها، شناسایی خطاهای انتقال، سنجش قرائت‌های مختلف و بازسازی صورت اصح متن است (۱۲: ۲۰۲۵، Zeyghami & Karami). برای مطالعه روشمند این مداخلات، لازم است تصحیح‌ها براساس ماهیت آن‌ها طبقه‌بندی شوند. در پژوهش حاضر، تصحیح‌ها در سه دسته اصلی لغوی، نحوی و معنایی تعریف می‌شوند. تصحیح لغوی به مواردی اطلاق می‌شود که در آن شارح از طریق جایگزینی، توضیح یا ترجیح یک واژه یا ترکیب، در سطح واژگانی متن مداخله می‌کند. تصحیح نحوی ناظر به مواردی است که در آن روابط اجزای جمله، ترتیب ساختارها، یا صورت نحوی عبارت برای رفع ابهام یا ایجاد انسجام توضیح داده می‌شود. تصحیح معنایی نیز به آن دسته از مداخلات مربوط است که در آن شارح، با افزودن توضیح، تبیین دلالت، تحدید یا توسعه مفهوم، معنای بیت را روشن‌تر می‌سازد. این تقسیم‌بندی سه‌گانه از آن‌رو اهمیت دارد که امکان می‌دهد شیوه مواجهه شارح با متن، نه به صورت کلی، بلکه در سطوح مشخص و قابل‌اندازه‌گیری تحلیل شود (۱۶: ۲۰۲۵، Parsa).

این سطح‌بندی، از نظر روش‌شناختی، امکان تحلیل دقیق‌تری از الگوی تصحیح در هر شرح فراهم می‌آورد؛ زیرا نشان می‌دهد که مرکز ثقل مداخلات شارح در کدام لایه از متن قرار دارد. در واقع، سنجش فراوانی تصحیح‌ها در هر دسته و هر سطح،

راهی برای تبدیل داده‌های کیفی شرح‌نویسی به شاخص‌های کمی و مقایسه‌پذیر است (طوبایی و جوکار، ۱۴۰۰: ۲۱۰).

در سنت شبه‌قاره‌ای نیز همین تفاوت به‌خوبی دیده می‌شود. در این سنت، تصحیح صرفاً به مقابله نسخه‌ها محدود نمی‌ماند، بلکه با تبیین فرهنگی، بومی‌سازی معنا و سازگار کردن متن با افق فهم مخاطب نیز همراه می‌شود (نبی‌لو، ۱۴۰۲: ۲۱۵). از این‌رو، تحلیل کمی تصحیح‌های لغوی، نحوی و معنایی در شروح شبه‌قاره‌ای، نه فقط میزان مداخله در متن، بلکه نوع نگاه شارح به متن را نیز آشکار می‌کند. بر همین اساس، الگوی آماری توزیع تصحیح‌ها می‌تواند به‌منزله نشانه‌ای از ترجیحات روش‌شناختی شارحان تلقی شود.

۲-۲. شرح‌نویسی در شبه‌قاره و منطق تفسیری شروح مخزن‌الاسرار

در این سنت، شرح نه فقط ابزاری برای توضیح دشواری‌های لفظی و معنایی متن، بلکه عرصه‌ای برای آشکار شدن دیدگاه‌های علمی، ذوق ادبی و جهت‌گیری‌های فکری شارح نیز هست. هر شرح، در واقع، نوعی خوانش روشمند از متن است که از خلال آن می‌توان اولویت‌های تفسیری شارح را شناخت. به همین دلیل، تفاوت میان شروح یک اثر، تنها تفاوت در بیان یا شیوه توضیح نیست، بلکه تفاوت در منطق مواجهه با متن و شیوه حل مسائل آن است (طوبایی و جوکار، ۱۴۰۰: ۲۰۵).

در شبه‌قاره، شرح‌نویسی فارسی در بستر فرهنگی و زبانی ویژه‌ای رشد کرده است؛ بستری که از یک‌سو به سنت ادبی فارسی وفادار مانده و از سوی دیگر، با تجربه‌های بومی، افق‌های معنایی تازه‌ای پدید آورده است (Novak، ۲۰۲۴: ۲۳). همین ویژگی سبب شده است که شروح شبه‌قاره‌ای غالباً در قیاس با برخی شروح دیگر، تمایل بیشتری به توضیح‌های تفسیری، مثال‌آوری، بازگشایی مفاهیم و در مواردی

بومی‌سازی معنایی داشته باشند (کوپا و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۸). این امر به‌ویژه در شرح‌های مربوط به آثار نظامی آشکار است؛ زیرا زبان استعاری و فشرده نظامی، خود زمینه مناسبی برای مداخلات تفسیری متنوع فراهم می‌کند (Ijaz, ۲۰۲۴: ۸). با این حال، شروح شبه‌قاره‌ای یکدست نیستند و هر شارح، نسبت خاصی میان وفاداری لفظی به متن و گسترش معنایی برقرار می‌کند. برخی شروح، مداخله بیشتری در سطح واژگان و ساختار دارند و می‌کوشند پیش از هر چیز، متن را از حیث لفظی و نحوی روشن کنند؛ برخی دیگر، بیشتر به گسترش معنایی و بازتفسیر مفاهیم متمایل‌اند. از این منظر، بررسی کمی انواع تصحیح‌ها، راهی برای تشخیص تفاوت منطق تفسیری شارحان است. اگر در شرحی فراوانی تصحیح‌های لغوی و نحوی بیشتر باشد، می‌توان گفت آن شرح به روشن‌سازی ساختار و زبان متن توجه افزون‌تری داشته است؛ و اگر سهم تصحیح‌های معنایی بالاتر باشد، احتمالاً شرح به‌سوی بسط مفهومی و تفسیر گسترده‌تر حرکت کرده است. بدین ترتیب، شاخص‌های آماری می‌توانند صورت‌بندی عینی‌تری از تفاوت‌های تفسیری میان شروح فراهم کنند (وظیفه‌شناس و فانی، ۱۴۰۰: ۳۲).

از این رو، انتظار می‌رود که در یک مطالعه آماری، الگوی تصحیحی آن نیز از انسجامی نسبی برخوردار باشد و نسبت میان تصحیح‌های لغوی، نحوی و معنایی در آن تابع نوعی منطق مشخص باشد. بنابراین، تحلیل آماری شروح مخزن‌الاسرار در شبه‌قاره، به‌ویژه با تأکید بر شرح ابراهیم تتوی، می‌تواند نشان دهد که سنت شرح‌نویسی این منطقه چگونه میان دقت متنی و گسترش تفسیری تعادل برقرار کرده است.

۳-۲. ویژگی‌های عمومی شروح مورد مطالعه

داده‌های پژوهش از طریق مقابله متن اصلی مخزن‌الاسرار با شرح‌های منتخب و ثبت نوع مداخلات شارحان گردآوری شد. در این مقابله، از کتاب *مخزن‌الاسرار حکیم*

نظامی گنج‌ای به تصحیح سعید حمیدیان و حسن وحیددستگردی (۱۴۰۰) استفاده شد.

ویژگی‌های عمومی شروح موردبررسی، زمینه‌ای لازم برای تفسیر داده‌های آماری بعدی فراهم می‌کند؛ زیرا حجم اثر، دورهٔ تدوین و نوع منبع مورد استفاده می‌تواند بر شیوهٔ مداخله شارح در متن تأثیر بگذارد. مقایسهٔ سه شرح نشان می‌دهد که با وجود اشتراک آن‌ها در تعلق به سنت شرح‌نویسی شبه‌قاره‌ای، از حیث حجم و نوع مدارک متنی تفاوت‌هایی دارد که باید در تحلیل نهایی موردتوجه قرار گیرد.

جدول ۱. مشخصات عمومی شروح مورد مطالعه

شرح	نویسنده	دورهٔ تدوین	نوع منبع مبنا	تعداد صفحات	واحدهای تحلیلی
تتوی	ابراهیم تتوی	ق ۱۲	خطی و چاپی	۳۸۵	۱۵۰
بلخی	محمد بن قوام بلخی	ق ۱۲	خطی و چاپی	۳۲۲	۱۵۰
عظیم	عظیم تتوی	ق ۱۳	چاپی	۲۹۸	۱۵۰
جمع	—	—	—	۱۰۰۵	۴۵۰

نتایج جدول فوق، نشان داد که شرح ابراهیم تتوی از حیث حجم، مفصل‌ترین اثر در میان سه شرح بررسی‌شده است و با ۳۸۵ صفحه، از شرح بلخی و شرح عظیم گسترده‌تر است. این تفاوت حجمی می‌تواند نشانهٔ گرایش بیشتر شارح به توضیح و مداخلهٔ تحلیلی در متن باشد، هرچند برای جلوگیری از اثرگذاری این عامل بر مقایسه نهایی، تعداد واحدهای تحلیلی در هر سه شرح به‌صورت برابر و معادل ۱۵۰ واحد در نظر گرفته شد. هم‌زمانی تقریبی دو شرح تتوی و بلخی در قرن دوازدهم هجری، امکان مقایسهٔ نسبتاً مستقیم دو رویکرد هم‌دوره را فراهم می‌سازد، درحالی‌که شرح عظیم، به‌عنوان اثری متعلق به قرن سیزدهم هجری، امکان مشاهدهٔ نوعی تحول در الگوهای تصحیح را نیز پیش روی پژوهش قرار می‌دهد. همچنین ترکیب منابع خطی و چاپی در دو شرح نخست، در کنار اتکای شرح عظیم بر متن چاپی، از تفاوت در

پشتوانهٔ متنی این آثار حکایت دارد؛ تفاوتی که می‌تواند در میزان و نوع مداخلات تصحیحی بازتاب یابد.

۲-۴. فراوانی و درصد انواع تصحیح‌های انتقادی در سه شرح

نخستین لایهٔ تحلیلی یافته‌ها به سنجش فراوانی و درصد انواع تصحیح‌های انتقادی در سه شرح اختصاص دارد. این بخش نشان می‌دهد که هر یک از شارحان در برخورد با متن مخزن الاسرار، چه سهمی از مداخلات خود را به تصحیح لغوی، نحوی یا معنایی اختصاص داده‌اند. از آنجاکه ساختار روش پژوهش بر طبقه‌بندی سه‌گانهٔ تصحیح‌ها استوار است، جدول ۲ مهم‌ترین جدول پایه برای تحلیل الگوی روش‌شناختی هر شرح به شمار می‌رود. داده‌های این جدول، افزون بر آشکار کردن نوع غالب تصحیح در هر شرح، امکان مقایسهٔ مستقیم گرایش‌های سه‌گانهٔ شارحان را نیز فراهم می‌کند.

جدول ۲. فراوانی و درصد انواع تصحیح‌های انتقادی در سه شرح

نوع تصحیح	شرح تنوی	درصد	شرح بلخی	درصد	شرح عظیم	درصد
تصحیح لغوی	۳۸	۲۵,۳۳	۳۲	۲۱,۳۳	۲۸	۱۸,۶۷
تصحیح نحوی	۴۲	۲۸	۳۶	۲۴	۳۳	۲۲
تصحیح معنایی	۷۰	۴۶,۶۷	۸۲	۵۴,۶۷	۸۹	۵۹,۳۳
جمع	۱۵۰	۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰

نتایج جدول، نشان داد که تصحیح معنایی در هر سه شرح، پرکاربردترین نوع مداخله است، اما شدت این غلبه در شروح یکسان نیست. شرح ابراهیم تنوی با ۷۰ مورد و ۴۶,۶۷ درصد، کمترین سهم تصحیح معنایی را در میان سه شرح دارد، درحالی‌که همین سهم در شرح بلخی به ۵۴,۶۷ درصد و در شرح عظیم به ۵۹,۳۳ درصد می‌رسد.

این تفاوت به‌روشنی نشان می‌دهد که شرح تتوی در قیاس با دو شرح دیگر، از بسط معنایی گسترده فاصله گرفته و در عوض سهم بیشتری به مداخلات زبانی اختصاص داده است. در همین راستا، مجموع تصحیح‌های لغوی و نحوی در شرح تتوی به ۸۰ مورد، معادل ۵۳،۳۳ درصد کل تصحیح‌ها، می‌رسد؛ حال آنکه این مقدار در شرح بلخی ۶۸ مورد معادل ۴۵،۳۳ درصد و در شرح عظیم ۶۱ مورد معادل ۴۰،۶۷ درصد است. بنابراین، اگرچه تصحیح معنایی همچنان در شرح تتوی نیز پرشمارترین دسته منفرد است، ترکیب کلی داده‌ها نشان می‌دهد که این شرح در قیاس با دو شرح دیگر، گرایش برجسته‌تری به تنظیم و اصلاح سطوح زبانی متن دارد.

۵-۲. مقایسه نسبی تصحیح‌های انتقادی میان شروح

مقایسه فراوانی‌های خام، تفاوت میان شروح را در سطحی کلی آشکار می‌کند، اما برای سنجش دقیق‌تر جایگاه شرح ابراهیم تتوی لازم است نسبت‌های مقایسه‌ای و تفاضل‌های درصدی نیز محاسبه شود. این رویکرد نشان می‌دهد که تفاوت‌های موجود تنها به اختلاف عددی محدود نیست، بلکه واجد جهت‌گیری روش‌شناختی مشخص است. جدول ۳ بر همین اساس تنظیم‌شده و نسبت شرح تتوی را با شرح بلخی و شرح عظیم در هر یک از سه نوع تصحیح نشان می‌دهد. از رهگذر این جدول می‌توان روشن‌تر دید که تمایز شرح تتوی در کدام سطح از تصحیح برجسته‌تر است.

جدول ۳. نسبت‌های مقایسه‌ای و تفاضل‌های درصدی شرح ابراهیم تتوی با دو شرح دیگر

نوع تصحیح	نسبت تتوی به بلخی	تفاوت درصدی	نسبت تتوی به عظیم	تفاوت درصدی
تصحیح لغوی	۱،۱۹	۴+	۱،۳۶	۶،۶۷+
تصحیح نحوی	۱،۱۷	۴+	۱،۲۷	۶+

تصحیح معنایی	۰,۸۵	۸-	۰,۷۹	۱۲,۶۷-
-----------------	------	----	------	--------

با این نتایج، مشخص شد که شرح ابراهیم تتوی در هر دودسته لغوی و نحوی، نسبت به دو شرح دیگر از تراکم بیشتری برخوردار است. نسبت ۱,۱۹ در برابر شرح بلخی و ۱,۳۶ در برابر شرح عظیم برای تصحیح لغوی نشان می‌دهد که تتوی در سطح واژگانی، مداخله فعال‌تر و متمرکزتری دارد. در تصحیح نحوی نیز نسبت‌های ۱,۱۷ و ۱,۲۷ بیانگر آن است که توجه این شرح به ساختار جمله و روابط نحوی به‌صورت معناداری بالاتر از دو شرح دیگر است. در مقابل، نسبت‌های ۰,۸۵ و ۰,۷۹ در حوزه تصحیح معنایی نشان می‌دهد که شرح تتوی نسبت به هر دو شرح مقایسه‌ای، از بسط و توسعه مفهومی کم دامنه‌تری بهره می‌برد. تفاوت منفی ۱۲,۶۷ درصدی میان شرح تتوی و شرح عظیم در تصحیح معنایی، برجسته‌ترین فاصله را در میان تمام شاخص‌های جدول نشان می‌دهد و از این حیث می‌توان گفت تمایز اصلی شرح تتوی نه صرفاً در افزایش مداخلات زبانی، بلکه در محدود کردن نسبت مداخلات معنایی نیز آشکار می‌شود.

۶-۲. شاخص گرایش زبانی، در سه شرح

برای صورت‌بندی فشرده‌تر تفاوت میان سه شرح، شاخصی ترکیبی از نسبت مداخلات زبانی به مداخلات معنایی محاسبه شد. در این شاخص، مجموع تصحیح‌های لغوی و نحوی بر تعداد تصحیح‌های معنایی تقسیم‌شده است تا روشن شود هر شرح تا چه حد به جای گسترش معنایی، به اصلاح و تنظیم سطوح زبانی متن تمایل دارد. شکل ۱ نتایج این محاسبه را در قالب نمودار میله‌ای نشان می‌دهد. مقدار این شاخص در شرح ابراهیم تتوی ۱,۱۴، در شرح بلخی ۰,۸۳ و در شرح عظیم ۰,۶۹ است. عبور

شاخص شرح تتوی از عدد ۱ بیانگر آن است که در این شرح، مجموع مداخلات زبانی از مداخلات معنایی پیشی گرفته است؛ درحالی‌که در دو شرح دیگر، مقدار شاخص کمتر از ۱ باقی‌مانده و این امر از غلبه مداخلات معنایی بر مداخلات زبانی حکایت دارد. فاصله نسبتاً زیاد میان ستون تتوی و دو شرح دیگر نشان می‌دهد که گرایش زبانی این شرح یک تفاوت جزئی نیست، بلکه بخشی از منطق غالب تصحیح در آن به شمار می‌رود.



شکل ۱. شاخص گرایش زبانی در سه شرح

۲-۶-۱. توزیع تصحیح‌های انتقادی برحسب متن در شرح ابراهیم تتوی

پس از مقایسه سه شرح در سطح کلان، بررسی شرح ابراهیم تتوی در سطح درونی آن اهمیت می‌یابد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های درون‌متنی، سطح وقوع تصحیح است؛ بدین معنا که معلوم شود مداخله‌های شارح بیشتر در سطح کلمه، بیت یا پاراگراف رخ داده است. جدول ۴ توزیع انواع تصحیح‌های لغوی، نحوی و معنایی را

در این سه سطح متن نشان می‌دهد. این جدول روشن می‌کند که شرح تتوی در هر نوع تصحیح، کدام لایه متن را کانون اصلی مداخله قرار داده است.

جدول ۴. توزیع تصحیح‌های انتقادی برحسب سطح متن در شرح ابراهیم تتوی

سطح متن	تصحیح لغوی	تصحیح نحوی	تصحیح معنایی	جمع
سطح کلمه	۲۸	۱۲	۱۵	۵۵
سطح بیت	۸	۲۲	۳۵	۶۵
سطح پاراگراف	۲	۸	۲۰	۳۰
جمع	۳۸	۴۲	۷۰	۱۵۰

نتایج فوق، نشان داد که مداخلات تصحیحی در شرح ابراهیم تتوی در همه سطوح متن به‌صورت یکسان توزیع نشده است و هر نوع تصحیح به سطح خاصی تمایل بیشتری دارد. تصحیح‌های لغوی با ۲۸ مورد از مجموع ۳۸ مورد، عمدتاً در سطح کلمه متمرکز شده‌اند؛ امری که نشان می‌دهد تتوی در اصلاح واژگانی بیش از هر چیز به جزئی‌ترین لایه متن توجه دارد. در مقابل، تصحیح‌های نحوی با ۲۲ مورد از ۴۲ مورد و تصحیح‌های معنایی با ۳۵ مورد از ۷۰ مورد، بیش از همه در سطح بیت رخ داده‌اند و این نکته بیانگر آن است که شارح در دو حوزه نحو و معنا، معمولاً کل واحد بیت را عرصه اصلی تبیین و تصحیح تلقی کرده است. همچنین حضور ۲۰ مورد تصحیح معنایی در سطح پاراگراف نشان می‌دهد که هر جا پای توضیح‌های مفهومی گسترده‌تر در میان بوده، شرح تتوی از سطح بیت فراتر رفته و به تفسیر پیوسته‌تری دست‌زده است. براینده کلی جدول نشان می‌دهد که سطح بیت با ۶۵ مورد، کانون اصلی مداخلات این شرح است و پس از آن سطح کلمه و سپس سطح پاراگراف قرار می‌گیرد.

۲-۶-۲. شاخص‌های درصدی سطوح مداخله در شرح ابراهیم تتوی

فراوانی‌های مطلق سطوح مداخله، تصویری اولیه از توزیع تصحیح‌ها ارائه می‌کند، اما برای ارزیابی دقیق‌تر لازم است سهم هر سطح در درون هر نوع تصحیح نیز به‌صورت درصدی بررسی شود. این تحلیل روشن می‌کند که غلبه یک سطح در هر دسته تا چه اندازه قاطع است و آیا توزیع درونی انواع تصحیح از الگویی منسجم پیروی می‌کند. جدول ۵ بر همین مبنا تنظیم‌شده و درصد درون‌گروهی هر سطح را برای تصحیح‌های لغوی، نحوی و معنایی در شرح ابراهیم تتوی نشان می‌دهد. افزوده شدن ستون «سطح غالب» نیز امکان جمع‌بندی مستقیم‌تری از منطق هر دسته فراهم می‌سازد.

جدول ۵. شاخص‌های درصدی سطوح مداخله در شرح ابراهیم تتوی

نوع تصحیح	کلمه (درصد)	بیت (درصد)	پاراگراف (درصد)	سطح غالب
لغوی	۷۳,۶۸	۲۱,۰۵	۵,۲۶	کلمه
نحوی	۲۸,۵۷	۵۲,۳۸	۱۹,۰۵	بیت
معنایی	۲۱,۴۳	۵۰	۲۸,۵۷	بیت
کل	۳۶,۶۷	۴۳,۳۳	۲۰	بیت

نتایج جدول، نشان داد که الگوی سطوح مداخله در شرح ابراهیم تتوی کاملاً نامشخص و پراکنده نیست، بلکه از نوعی انسجام درونی برخوردار است. در حوزه لغوی، تمرکز ۷۳,۶۸ درصدی بر سطح کلمه نشان می‌دهد که این نوع تصحیح در ماهیت خود عمده‌تأ جزئی‌نگر است و به اصلاح واژگان و ترکیبات کوتاه وابسته است. در حوزه نحوی، سطح بیت با ۵۲,۳۸ درصد جایگاه غالب را دارد و این امر از آن حکایت می‌کند که روشن‌سازی روابط دستوری در شرح تتوی غالباً در چارچوب کل بیت انجام می‌پذیرد، نه صرفاً در حد یک واژه یا توضیحی گسترده در سطح پاراگراف.

در حوزه معنایی نیز اگرچه سطح بیت با ۵۰ درصد همچنان جایگاه نخست را دارد، سهم ۲۸,۵۷ درصدی سطح پاراگراف نشان می‌دهد که هرگاه مداخله معنایی پیچیده‌تر شده، شارح به بسط توضیح در واحدی بزرگ‌تر گرایش یافته است. در جمع کل نیز غلبه سطح بیت با ۴۳,۳۳ درصد، بر وجود منطق میانی در شیوه کار تتوی دلالت دارد؛ بدین معنا که این شرح نه به‌طور کامل در سطح واژه متوقف می‌ماند و نه به‌طور مستمر به بسط‌های طولانی پاراگرافی روی می‌آورد، بلکه بیت را واحد اصلی تصحیح و تفسیر تلقی می‌کند.

۲-۶-۳. توزیع بخشی تصحیح‌ها در متن شرح ابراهیم تتوی

از آنجاکه روش پژوهش، پراکندگی تصحیح‌ها در طول متن را نیز یکی از محورهای تحلیل قرار داده بود، لازم است مشخص شود که آیا مداخلات شرح ابراهیم تتوی در سراسر ۱۵۰ بیت منتخب به‌صورت یکنواخت توزیع شده‌اند یا در بخش‌هایی از متن تمرکز بیشتری داشته‌اند. برای این منظور، ۱۵۰ بیت موردبررسی به شش بازهٔ پیاپی ۲۵ بیتی تقسیم شد و تعداد تصحیح‌های لغوی، نحوی و معنایی در هر بازه محاسبه گردید. جدول ۶ حاصل این تقسیم‌بندی را نشان می‌دهد و افزون بر فراوانی‌های خام، میانگین تصحیح در هر ۵ بیت را نیز عرضه می‌کند. این جدول امکان می‌دهد شدت مداخلات شرح تتوی در بخش‌های مختلف متن به‌صورت مقایسه‌ای ارزیابی شود.

جدول ۶. توزیع تصحیح‌های انتقادی در بخش‌های متوالی متن شرح ابراهیم تتوی

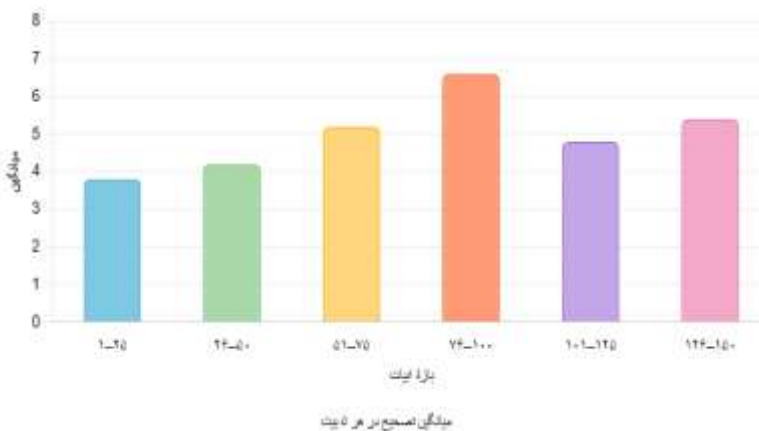
بازه ابیات	لغوی	نحوی	معنایی	جمع	میانگین تصحیح در هر ۵ بیت
۱-۲۵	۵	۶	۸	۱۹	۳,۸
۲۶-۵۰	۶	۵	۱۰	۲۱	۴,۲

۵۱- ۷۵	۷	۸	۱۱	۲۶	۵,۲
۷۶- ۱۰۰	۹	۱۰	۱۴	۳۳	۶,۶
۱۰۱- ۱۲۵	۵	۷	۱۲	۲۴	۴,۸
۱۲۶- ۱۵۰	۶	۶	۱۵	۲۷	۵,۴
جمع	۳۸	۴۲	۷۰	۱۵۰	۵

نتایج، نشان می‌دهد که توزیع تصحیح‌ها در طول متن شرح ابراهیم تتوی کاملاً یکنواخت نیست و بخش‌های مختلف، شدت مداخله متفاوتی را نشان می‌دهند. کمترین تراکم تصحیح در بازه ۱ تا ۲۵ با ۱۹ مورد و میانگین ۳,۸ تصحیح در هر ۵ بیت دیده می‌شود، درحالی‌که بیشترین تراکم مربوط به بازه ۷۶ تا ۱۰۰ با ۳۳ مورد و میانگین ۶,۶ است. این تفاوت نشان می‌دهد که شرح تتوی در نیمه میانی متن با موضعی مواجه شده که نیاز به توضیح، تنظیم یا تصحیح بیشتری داشته‌اند. افزون بر این، در تمام بازه‌ها تصحیح معنایی بیشترین فراوانی را حفظ کرده است، اما روند افزایشی آن از ۸ مورد در بازه آغازین به ۱۵ مورد در بازه پایانی نشان می‌دهد که شدت درگیری شارح با لایه‌های مفهومی متن در بخش‌های متأخرتر بیشتر شده است. درعین حال، تصحیح‌های لغوی و نحوی نیز در بازه ۷۶ تا ۱۰۰ به اوج خود می‌رسند و همین هم‌زمانی، این بخش از متن را به متراکم‌ترین نقطه مداخلات تصحیحی در شرح تتوی تبدیل می‌کند. بنابراین، پراکندگی تصحیح‌ها از الگویی موجی و غیریکنواخت پیروی می‌کند و این امر می‌تواند با تفاوت درجه دشواری یا فشردگی مفهومی بخش‌های مختلف مخزن‌الاسرار مرتبط باشد.

۲-۶-۴. چگالی تصحیح‌ها در بخش‌های مختلف متن شرح ابراهیم تتوی

مقایسه فراوانی‌های مطلق بازه‌های متوالی، جهت کلی پراکندگی را نشان می‌دهد، اما سنجش چگالی مداخلات، شدت واقعی حضور تصحیح در هر بخش را روشن‌تر می‌سازد. شکل ۲ براساس میانگین تعداد تصحیح در هر ۵ بیت تنظیم‌شده و نشان می‌دهد که فشار تصحیحی شرح ابراهیم تتوی در کدام بازه‌ها بیش از سایر بخش‌ها بوده است. ستون‌های شکل، روندی افزایشی از بازه نخست تا بازه میانی را نشان می‌دهند؛ به‌گونه‌ای که مقدار چگالی از ۳٫۸ در بازه ۱ تا ۲۵ به ۶٫۶ در بازه ۷۶ تا ۱۰۰ می‌رسد. پس از این اوج، نمودار کاهش نسبی را در بازه ۱۰۱ تا ۱۲۵ ثبت می‌کند، اما در بازه پایانی دوباره تا ۵٫۴ افزایش می‌یابد. این الگو بیانگر آن است که فعالیت تصحیحی شرح تتوی نه تصادفی، بلکه تابع تمرکز بر بخش‌هایی از متن است که یا از پیچیدگی زبانی بیشتری برخوردار بوده‌اند یا به بسط معنایی و نحوی فزون‌تری نیاز داشته‌اند. از این‌رو، شکل ۲ مکمل جدول ۶ است و نشان می‌دهد که منطق مداخلات تتوی در طول متن، صورتی موجی و دارای کانون‌های تمرکز مشخص دارد.



شکل ۲. چگالی تصحیح‌ها در بخش‌های مختلف متن شرح ابراهیم تتوی

۳. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تحلیل روش‌شناسی تصحیح انتقادی در شرح‌های شبه‌قاره‌ای بر مخزن الاسرار با تأکید بر شرح ابراهیم تتوی، انجام شد. مسئله اصلی پژوهش بر این پایه استوار بود که شروح کلاسیک فارسی، به‌ویژه در سنت شبه‌قاره‌ای، الگوهایی منسجم و قابل سنجش در روش تصحیح دارند که تاکنون مورد تحلیل آماری قرار نگرفته بوده است. برای بررسی این مسئله، روشی توصیفی-تحلیلی با رویکرد کمی به کار گرفته شد و داده‌های پژوهش از تحلیل ۴۵۰ واحد تحلیلی، حاصل از بررسی ۱۵۰ بیت مشترک در سه شرح ابراهیم تتوی، محمد بن قوام بلخی و عظیم تتوی، استخراج گردید. انواع تصحیح‌های انتقادی در سه دسته لغوی، نحوی و معنایی طبقه‌بندی شدند و سطوح مداخله نیز در سه سطح کلمه، بیت و پاراگراف مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش، فرضیه اصلی پژوهش را تأیید کرد؛ بدین معنا که شرح ابراهیم تتوی، واقعاً از الگوهای نسبتاً منسجم و قابل‌اندازه‌گیری در روش تصحیح انتقادی برخوردار است. نخست آنکه، شرح تتوی در مقایسه با دو شرح دیگر، سهم معناداری بالاتری از مداخلات خود را به تصحیح‌های لغوی و نحوی اختصاص می‌دهد، به‌گونه‌ای که نسبت مداخلات زبانی (لغوی و نحوی) به معنایی در این شرح ۱،۱۴ است، در حالی که این نسبت در شرح بلخی ۰،۸۳ و در شرح عظیم ۰،۶۹ می‌باشد. این تفاوت نه صرفاً عددی، بلکه نشان‌دهنده تفاوت در منطق و فلسفه تصحیح است. دوم آنکه، شرح تتوی از یک منطق سلسله‌مراتبی و منسجم در سطوح مداخله پیروی می‌کند؛ تصحیح‌های لغوی عمدتاً در سطح کلمه (۷۳،۶۸ درصد) متمرکز شده‌اند، تصحیح‌های نحوی و معنایی در سطح بیت (۵۲،۳۸ درصد و ۵۰ درصد)، و مداخلات معنایی پیچیده‌تر در سطح پاراگراف (۲۸،۵۷ درصد) جای دارند. این سطح‌بندی منطقی نشان می‌دهد که تتوی متن را براساس اصولی دقیق و پیش‌فکری شده تصحیح

و توضیح می‌داده است، نه به شیوه موردی و بی‌نظام. سوم آنکه، پراکندگی تصحیح‌ها در طول متن از الگویی موجی پیروی می‌کند؛ بازه ۷۶ تا ۱۰۰ با میانگین ۶,۶ تصحیح در هر ۵ بیت، متراکم‌ترین نقطه مداخلات شارح است. این نشان می‌دهد که تتوی متن را به‌صورت انتقادی و تفاوت‌شناس مطالعه کرده و بخش‌های دشوار یا پیچیده را شناسایی و بیشتر مورد توجه قرار داده است. در نتیجه، این پژوهش نه‌تنها تأیید می‌کند که شرح ابراهیم تتوی از الگوهای منسجمی در تصحیح انتقادی برخوردار است، بلکه این الگوها را به‌صورت کمی و سنجش‌پذیر به نمایش می‌گذارد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای محققان و پژوهش‌گران علاقه‌مند به سنت شرح‌نویسی فارسی و ادبیات کلاسیکی منبعی معتبر در درک روش‌های تصحیح و تفسیر باشد. همچنین، روش کمی به‌کار رفته در این پژوهش می‌تواند الگویی برای تحلیل سایر شروح و متون کلاسیک فارسی فراهم سازد. در پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود که شروح بیشتری در سطح جغرافیایی وسیع‌تری (نه فقط شبه‌قاره) و در دوره‌های زمانی طولانی‌تری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند تا تحول روش‌های تصحیح انتقادی در سنت شرح‌نویسی فارسی به‌صورت پویاتری روشن شود.

کتاب‌شناسی

الف: کتاب‌ها

- ۱) انزایی‌نژاد، رضا (۱۴۰۴)، *گزیده مخزن‌الاسرار* (رشته زبان و ادبیات فارسی)، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۲) ثروتیان، بهروز (۱۳۹۹)، *مخزن‌الاسرار*: بازنویسی کتاب مخزن‌الاسرار اثر نظامی گنجه‌ای، تهران: میراثبان.
- ۳) حیدری‌ارجلو، رقیه (۱۴۰۰)، *گریه بی‌اختیار*: مرثی و مناقب چهارده معصوم شیعیان در دیوان‌های شاعران پارسی‌گوی شبه‌قاره پاکستان و هندوستان (سند)، مائل تتوی، عظیم تتوی و محسن تتوی، تهران: رزبار.
- ۴) نظامی، الیاس بن یوسف (۱۴۰۰)، *مخزن‌الاسرار حکیم نظامی گنجه‌ای*، با تصحیح و حواشی حسن وحیددستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

ب: مقاله‌ها

- ۱) آرامی، سیمین، دهقان، صراطی، ژیلا، حاجی زاده، حسین (۱۴۰۱)، «*تحلیل اخلاقی تمثیل‌های مخزن‌الاسرار نظامی براساس نظریه مراحل رشد اخلاقی لارنس گلبِرگ*»، فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، شماره ۵۳، صص ۱-۲۶.

- (۲) خدادادی، فضل‌الله (۱۴۰۰)، «تحلیل فرایند بسط معنایی گفتمان در مخزن‌الاسرار نظامی (با تکیه بر نظریه روش‌سازی معنایی و نسان ژوو)»، نشریه زبان و ادب فارسی، دوره ۷۴، شماره ۲۴۳، صص ۹۳-۱۱۱.
- (۳) طوبایی، فاطمه؛ جوکار، نجف (۱۴۰۰)، «بررسی و تطبیق ساختار و درون‌مایه اسرارنامه و مخزن‌الاسرار»، مجله شعر پژوهی (بوستان ادب)، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۲۰۱-۲۳۲.
- (۴) کوپا، فاطمه، زمانی، علی و دیگران (۱۴۰۰)، «بررسی عناصر محتوایی و سبکی نسخه خطی شرح مخزن‌الاسرار»، نامه فرهنگستان، دوره ۲۴، شماره ۳، صص ۱۸۵-۱۹۸.
- (۵) کوپا، فاطمه؛ یعقوبی، مهری (۱۴۰۴)، «بررسی عناصر محتوایی و سبکی نسخه خطی شرح مخزن‌الاسرار تألیف قاضی ابراهیم تتوی»، نشریه نامه فرهنگستان، ۳، ۱۰۳-۱۱۷.
- (۶) نبی‌لو، علیرضا (۱۴۰۲)، «معرفی، مقایسه و نقد شرح محمد بن قوام بلخی و شرح قاضی ابراهیم تتوی (با تکیه بر ابیاتی از مخزن‌الاسرار)»، نشریه زبان و ادب فارسی، دوره ۷۶، شماره ۲۴۸، صص ۲۱۳-۲۲۹.
- (۷) وظیفه‌شناس، محمدجواد؛ فانی، کیمیا (۱۴۰۰) «بررسی اغراض ثانویه فعل امر در مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی»، هشتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ، صص ۲۲-۳۲.

- 1) Ijaz, A. (2024). Shaping the Language of Love: The Afterlives of Niẓāmī Ganjavī's ẖhusrau u Shīrīn in Hindustān.
- 2) Novak, E., Morales, F., & Chen, A. (2024). Impact of Persian Language on South Asian Literature and Culture. *Pakistan Journal of History and Civilization*, 1(4), 20-26.
- 3) Parsa, T. B. (2025). Uninvited Guests and Biting Dogs: Munīr Lāhorī and the Definition of an Indo-Persian Literary Tradition. *Iranian Studies*, 1-16.
- 4) Zeyghami, M. R., & Karami, M. H. (2025). A Textual Criticism on Several Verses from Nizami's Sharar-f-nama. *Textual Criticism of Persian Literature*, 17(1), 1-22.